

نشریه ادبیات تطبیقی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۶، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۳

نقد تطبیقی مبانی پیدایش رمان در ایران و کشورهای عربی (علمی - پژوهشی)*

حمید رضا رضایی امید
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
دکتر عبدالحسین فرزاد
دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی
دکتر مرتضی حاجی مزدرانی
استادیار دانشگاه پیام نور
دکتر حسین یزدانی
استادیار دانشگاه پیام نور

چکیده

رمان نوع ادبی سرآمدی است که پس از انقلاب صنعتی در جوامع غربی به وجود آمد و با توجه به تغییر شکل زندگی انسان و برجسته شدن نقش او در جامعه تحول یافته غرب، به تدریج به عرصه ادبیات راه یافت و خود را به عنوان نوع بلامنزاع ادبی در عصر حاضر مطرح ساخت. اما ادبیات ایران و عرب علی رغم بهره مندی از پشتوانه عظیم و میراث ارزشمند و سترگ، تا زمانی که با تمدن غرب آشنا نشد، به وجود و اهمیت رمان واقف نگردید. در این مقاله سعی بر آن است با بررسی عواملی که بر آشنایی ایرانیان و اعراب با تمدن غرب اثرگذار بوده، چگونگی پیدایش و شکل گیری رمان در این دو منطقه مورد مقایسه قرار گیرد. نتیجه حاکی از پیش گامی و توفیق نسبی اعراب در این زمینه است.

واژه های کلیدی: ادبیات داستانی، رمان، ایران، کشورهای عربی، مصر.

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۱۵
rezaei_omidi48@yahoo.com
a_h_farzad@yahoo.com
mhaji1343@yahoo.com
hyazdani45@yahoo.com

*تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۲/۵
نشانی پست الکترونیکی نویسندگان مسئول:

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

رمان، محصول تحولات گسترده‌ای است که پس از انقلاب صنعتی در جوامع غربی به وقوع پیوست و شرایط زندگی و مناسبات اجتماعی انسان را به کلی دگرگون ساخت. هم‌سو با این شرایط و تحولات که انسان را از انزوای تاریخی‌اش خارج ساخته، نقش او را در جامعه بیش از پیش برجسته‌تر می‌نمود، ادبیات نیز اشراقیت دیرینه‌اش را رها نموده، نگاهش را از دربار سلاطین و قلمرو نجبا معطوف به انسانی کرد که نه تنها موقعیتش در جامعه رسمیت می‌یافت، بلکه تعریف جامعه نیز دیگر بدون او ممکن نمی‌بود.

اما به صحنه آوردن انسان و به تصویر کشیدن دغدغه‌هایش به مدد ادبیات، دیگر آن سبک‌ها و قالب‌های کهنه را بر نمی‌تافت و طرحی نو و طرزی جدید را طلب می‌کرد. این طرز نوین که رمان نام گرفت، به دلیل ویژگی‌هایی که به نزدیکی هر چه بیشتر به زندگی افراد عادی جامعه، و سبک رفتار و گفتار آنان تأکید می‌کرد، به تدریج با بهره‌گیری از تکنیک‌های مدرن و بهره‌مندی از دانش‌هایی چون روان‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی و ... خود را در حکم نوع بلامنازع ادبی مطرح ساخت و علاوه بر خاستگاه خود، یعنی اروپا، ممالک دیگر را نیز تحت سیطره خود درآورد.

البته رمان دوره تکوین خود را در جامعه تحول یافته و صنعت‌گرای غرب که در آن فرهنگ مدرن بر نظام سنتی فائق آمده بود، آغاز کرد و زمانی خود را به ممالک دیگر معرفی نمود که دوران بالندگی خود را طی نموده بود. بنابراین، شرایط پیدایش این نوع ادبی سرآمد در خارج از قلمرو قاره سبز، وابسته به شرایطی است که تقریباً با آنچه در خاستگاه آن رخ داده، منطبق نیست.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

یکی از مناطقی که پای رمان به آن باز شد و از طرف نویسندگان و روشن‌فکران پذیرفته شد، منطقه خاورمیانه و غرب آسیا بود که در زمان ورود رمان بخش مهمی از آن شامل ایران و منطقه نسبتاً وسیعی متشکل از کشورهای عربی بود که در آن زمان جزو قلمرو امپراتوری عثمانی بودند. اگر چه موقعیت جغرافیایی، سبک زندگی سنتی و شرقی، و

مشترکات مذهبی مردم این مناطق را به هم پیوند می‌داد، نظام حکومتی مستقل که قلمرو سیاسی آن‌ها را از هم تفکیک می‌نمود، شرایط متفاوتی برای حرکت به سمت دنیای مدرن که رمان از جمله نتایج آن بود، به وجود می‌آورد.

بررسی دقیق و واکاوی عمیق این شرایط می‌تواند نقش این شرایط را در تحولات ادبی نشان دهد و تأثیر چارچوب‌های ملی، قومی و فرهنگی را در اصالت‌زدایی مفاهیم و انواع ادبی وارداتی به تصویر بکشد. به علاوه، این نوع بررسی چراغ راهی در مسیر تفسیر عادات و منویات نویسندگان رمان و عوامل شکل دهنده آن‌هاست.

این مطالعه تاریخی در قالب روش مرور نظام‌یافته متون درصدد است تا نقش این شرایط را در پیدایش و تحول رمان در ضمن مقایسه کشورهای عربی و ایران نشان دهد. بنابراین، در این مقاله عوامل مؤثر بر پیدایش و شکل‌گیری رمان در ایران و کشورهای عربی بررسی و مقایسه شده است. پیش از ورود به بحث، ذکر یک نکته مهم ضروری است و آن این که در میان ممالک عربی نخستین کشوری که با تمدن غرب آشنا شد و نوع ادبی رمان در آن ظهور کرد، مصر بود و از این روست که رمان عرب را برآمده از وادی نیل می‌دانند. بر این اساس، بررسی و مقایسه رمان فارسی با رمان عربی با تکیه بر شکل‌گیری آن در مصر صورت می‌گیرد.

در حد جستجوی انجام شده برای این بررسی، مطالعه مستقل و تفصیلی ای که بتواند ابعاد این مسأله را واکاوی کرده و مقایسه‌ای تاریخی برحسب شرایط این کشورها انجام داده باشد، وجود ندارد. بررسی حاضر از این نظر منحصر به فرد است و می‌تواند فتح‌بابی برای پژوهش عمیق‌تر ابعاد دیگر این مسئله در قالب پژوهش‌های آتی باشد.

۲- بحث

۲-۱- زمینه‌های پیدایش رمان در ایران و کشورهای عربی

همان‌طور که گفته شد، رمان در ممالک غربی شکل گرفت و رواج آن در مناطق دیگر جهان، از جمله مناطق مورد بحث ما در اثر آشنایی مردم این مناطق با تمدن غربی اتفاق

افتاد. بر این اساس، برای یافتن علل پیدایش رمان در ایران و کشورهای عربی باید عواملی که بر تماس و آشنایی ایرانیان و اعراب با تمدن غرب اثرگذار بوده‌اند، بررسی شوند.

۲-۱-۱-زمینه‌های تاریخی، سیاسی و فکری

نخستین مسأله موقعیت جغرافیایی و شرایط سیاسی است. در دوره مورد بحث، کشورهای عربی تحت تسلط امپراتوری عثمانی به سر می‌بردند که همسایه قدرتمندی برای غرب محسوب می‌شد، و در اوج قدرت خود موفق شده بود تا به قلب اروپا نفوذ کرده، بخش‌هایی از آن را به قلمرو امپراتوری خود ضمیمه نماید. زیستن در قلمرو این امپراتوری در عصری که غرب پس از انقلاب صنعتی با پیشرفت‌های خیره‌کننده مرزهای علوم و تکنولوژی را در نور دیده بود، همه شئون حیات بشر را دچار تحول بنیادین نموده بود، این امکان را برای اعراب فراهم می‌نمود که با تمدن غرب بدون واسطه در تماس باشند. در صورتی که این وضعیت برای ایران که امپراتوری عثمانی را حایلی میان خود و اروپای پیشرفته می‌دید، فراهم نبود و آشنایی با تمدن غربی به طور غیرمستقیم و به واسطه آنچه عثمانی‌ها از پیشرفت‌های غرب بهره‌جسته بودند و نیز از طریق روسیه که از زمان پتر کبیر به استقبال تمدن غرب رفته بودند، فراهم می‌شد.

مسئله دوم رخدادهای تاریخی تاثیرگذارند. مهم‌ترین حادثه‌ای که تماس مستقیم اعراب با اروپاییان را میسر ساخت، حمله ناپلئون بنپارت به مصر بود. این حمله که برای کوتاه کردن دست انگلستان از مستعمراتش در هند در اول ژوئیه ۱۷۹۸م. اتفاق افتاد؛ علی‌رغم حوادث ناگواری که به دنبال داشت، به دلیل اقداماتی که ناپلئون در مصر انجام داد، فوایدی نیز برای مصریان به همراه داشت. همراهی گروهی از متخصصان رشته‌های مختلف با ناپلئون در این سفر، همراه بردن دو دستگاه چاپ، تأسیس مدرسه، سفر دانشمندان فرانسوی به مصر و... حمله ناپلئون به مصر را به مثابه رویدادی تاریخی ساز در تحول مصر مطرح ساخت. (بهنام، ۱۳۸۶: ۱۲؛ عنایت، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۳).

در ایران مهم‌ترین رویداد مؤثر در این زمینه، شکست‌های پی در پی ایران در جنگ با روس‌ها بود که در اوایل قرن نوزدهم میلادی اتفاق افتاد و برخی از ایرانیان از جمله عباس

میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه و حاکم تبریز را به ضعف ایران واقف نمود. البته حملات روسیه به ایران بر خلاف حمله ناپلئون به مصر، هیچ موهبتی نصیب ایرانیان نکرد و تنها آشنایی نسبی ایرانیان با تمدن پیشرفته غرب، مشاهده سلاح‌های مدرن جنگی و فنون جدید نظامی بود که روسیه علیه ایران به کار می‌برد. همچنین، بر خلاف مصر که پس از حمله ناپلئون به طور مستقیم با یکی از دول غربی مواجه می‌شد، رویارویی ایران با تمدن غربی با واسطه و از طریق کشور آسیایی - اروپایی روسیه صورت می‌گرفت که خود پیش‌تر به استقبال فرهنگ غرب شتافته بود و پیشرفت‌های صنعتی آن نسخه‌ای از دست‌آوردهای غرب بود.

سومین عامل وجود دولت‌مردان اصلاح‌طلب بود. در مصر، پس از خروج ناپلئون، محمدعلی پاشا با پایه‌گذاری سلسله خدیوان مصر به قدرت رسید و اقدامات مهمی در جهت نوسازی مصر انجام داد و خود را به عنوان بنیان‌گذار مصر نوین مطرح ساخت. اقداماتی چون اعزام دانشجویان به اروپا، احداث مدارس، تاسیس چاپ‌خانه و انتشار روزنامه، ساخت کارخانجات، توسعه تجارت و... مهم‌ترین اقداماتی بود که محمدعلی پاشا به انجام آن‌ها اهتمام ورزید.

در ایران این اقدامات را نخستین بار عباس میرزا آغاز کرد و امیرکبیر پس از او آن‌ها را ادامه داد. آن‌چه در تمایز این اقدامات در ایران و مصر می‌توان بیان کرد، این است که اولاً: دولت‌مردان فرآیند نوسازی در مصر را زودتر آغاز کرده بودند؛ چرا که در زمان عباس میرزا «میان دولت ایران و حکومت محمدعلی پاشا مذاکراتی درباره فرستادن پنجاه دانشجوی ایرانی به آن کشور صورت گرفت که البته به جایی نرسید». (بهنام، ۱۳۸۶: ۲۱). نکته دوم این که انجام برنامه‌های اصلاحی در مصر توسط شخص اول کشور صورت می‌گرفت؛ اما در ایران رهبری این اصلاحات با شخص دوم کشور، یعنی ولیعهد یا صدر اعظم بود که به دلیل اختیار ناکافی هیچ‌کدام موفق به اتمام برنامه‌های خود نشدند. منزوی شدن عباس میرزا در اواخر عمر کوتاهش و نیز تبعید شدن و به قتل رسیدن امیرکبیر می‌تواند دلایلی محکم بر اثبات این مدعا باشند.

عامل چهارم وجود روشن‌فکران و تحصیل‌کردگان غرب بود که هواخواه پیروی و استفاده از دست‌آوردهای تمدن غرب بودند. در مصر رفاعة رافع الطهطاوی (۱۸۰۱-۱۸۷۳م) پیش‌گام این حرکت بود که با محمدعلی پاشا در این زمینه هم‌فکر و هم‌سو بود و پس از او، نجیب‌عازوری راه او را ادامه داد.

در ایران میرزا فتح‌علی آخوندزاده (۱۲۲۸-۱۲۹۵ ه.ق. / ۱۸۱۲-۱۸۷۸ م.)، نمایش‌نامه‌نویس و آزادی‌خواه عصر قاجار را باید از پیش‌گامان جریان روشن‌فکری در ایران دانست. عبدالرحیم طالبوف (۱۲۵۰-۳۳۲۸ ه.ق. / ۱۸۳۴-۱۹۱۰ م.)، میرزا ملکم‌خان (۱۲۴۹-۱۳۲۶ ه.ق. / ۱۸۳۳-۱۹۰۸ م.) و زین‌العابدین مراغه‌ای (۱۲۵۵-۱۳۲۸ ه.ق.) نیز راه او را ادامه دادند و با نوشتن کتب و مقالاتی در صدد بیداری مردم برآمدند.

اما این راه دو مانع اساسی پیش رو داشت: استبداد سلطنتی و جزم‌اندیشی دینی. در مصر به دلیل هم‌سویی طهطاوی با محمدعلی پاشا، لاقلاً یکی از این دو مانع وجود نداشت. ضمن این که مقاومت جامع‌الازهر، به عنوان نماد و نماینده نهاد دین به دلیل توفیقاتی که احیاگران تفکر دینی کسب کرده بودند، کمتر از ایران بود.

عامل پنجم اقدامات نواندیشان دینی بود که تلاش می‌کردند ظرفیت دین و نهادهای دینی را برای پذیرش شرایط جدیدی که با مدرن‌تر شدن جامعه به وجود می‌آمد، ارتقا بخشند؛ تا هم از انزوای دین در جامعه جلوگیری کنند و هم از مقاومت دین که خود یکی از مبانی نیرومند سنت‌گرایی بود، در برابر تغییرات جامعه مدرن بکاهند. در مصر، زمینه‌های این حرکت با ملاقات تعدادی از دانشمندان فرانسوی در زمان ناپلئون با روحانیون‌الازهر فراهم شده بود و بعد، نواندیشانی چون علی عبدالرزاق، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی و محمد رشید رضا و... آن را ادامه دادند. اقدامات تجدیدگرایان دینی در مصر باعث گشودن باب اجتهاد در فقه و افزایش امکان ایفای نقش آن در جامعه روبرو پیشرفت مصر شد.

در ایران نیز سیدجمال‌الدین اسدآبادی پرچم‌دار این حرکت بود و بزرگانی چون حاج شیخ هادی نجم‌آبادی (۱۲۵۰-۱۳۲۰ ه.ق.)، محمدکاظم خراسانی معروف به آخوند

(۱۲۵۵-۱۳۲۹ ه.ق.) و صاحب‌کفایه الاصول، میرزا سیدمحمد طباطبایی (۱۲۵۸-۱۳۳۹ ه.ق.) و علامه محمد حسین نائینی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ ه.ق.) صاحب کتاب معروف تنبیه الامة و تنزیه المله راه او را ادامه دادند.

اقدامات نواندیشان دینی اگر چه منجر به مطرح شدن تجددگرایی به عنوان گفتمان غالب در عرصه تفکر دینی جامعه نشد، اما در تعدیل نگاه سنتی دین به مقوله‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه مدرن و برداشتن موانع استفاده مسلمانان از دست آوردهای مدرن غرب موثر بود.

۲-۱-۲- اقدامات عملی

به موازات این تحولات فکری، اقدامات عملی نظیر تأسیس مدارس، دایر کردن چاپ‌خانه، انتشار روزنامه، ترجمه متون خارجی و... نیز در کشورهای عربی و ایران آغاز شد. نگاهی به تاریخ انجام اولین اقدامات مبین این نکته است که اعراب پیش‌تر در این مسیر گام نهاده بودند.

تاریخ تأسیس مدارس در لبنان به نسبت دیگر ممالک عربی قدمت بیشتری دارد. قدیم‌ترین مدرسه در لبنان مدرسه عین‌طوره بود که در سال ۱۷۳۴ م. توسط پطرس مبارک تأسیس شد و اداره آن به هیأت‌های مسیحی واگذار گردید. پس از آن، مدرسه عیبه در سال ۱۸۴۷ م. و در سال ۱۸۴۷ م. دانشگاه آمریکایی بیروت تأسیس شد. اما در مصر قدیمی‌ترین مدارس همان دو مدرسه‌ای بود که ناپلئون پس از حمله به این کشور (۱۷۹۸ م.) برای فرزندان فرانسویان بنا نهاده بود. پس از این دو مدرسه باید به مدرسه پزشکی اشاره نمود که در سال ۱۸۲۶ م. در مصر تأسیس شد (ترجانی‌زاده، ۱۳۴۸: ۲۸۳).

اگر تاریخ ساخت اولین مدرسه مدرن در ایران، یعنی دارالفنون را با تاریخ تأسیس نخستین مدارس کشورهای عربی مقایسه کنیم، در می‌یابیم که این مدرسه حدود ۱۱۵ سال پس از مدرسه عیبه در لبنان و ۲۴ سال پس از مدرسه پزشکی مصر تأسیس شد. ضمن این - که تعداد مدرسی که در لبنان و مصر بنا شده بودند، نسبت به ایران بیشتر و متنوع‌تر بودند.

اولین چاپ‌خانه مجهز در ممالک عربی مطبعه دیرالشویر لبنان بود که در سال ۱۷۳۴ م. شروع به کار کرد. در مصر به جز دستگاه‌های چاپی ای که ناپلئون با خود به مصر برده بود، اولین چاپ‌خانه مهم در سال ۱۷۹۹ م. به دستور ناپلئون و با عنوان چاپ‌خانه ملکی شروع به کار نمود که با حروف عربی، فرانسوی و یونانی به چاپ فرمان‌های نظامی و روزنامه و کتاب می‌پرداخت. هم‌چنین، در سال ۱۸۲۱ م. به دستور محمدعلی پاشا چاپ‌خانه‌ای در مصر دایر شد که به مطبعه بولاق معروف شد (بستانی، ۱۳۳۹: ۱۶۷).

در حالی که اولین چاپ‌خانه در ایران چاپ‌خانه‌ای بود که دستگاه چاپ آن را میرزا صالح شیرازی در سال ۱۲۳۵ ه. ق. / ۱۸۲۰ م. هنگام بازگشت از اروپا با خود به ایران آورده بود. این چاپ‌خانه بنا به نظر مجتبی مینوی «اولین مطبعه‌ای» بود که برای چاپ کتب فارسی در ایران دایر شد. (نقل از: آرین پور، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۳۰) و حدود ۸۵ سال پس از مطبعه دیرالشویر لبنان و ۲۱ سال پس از چاپ‌خانه ملکی مصر شروع به کار نمود.

اولین روزنامه رسمی مصر، یعنی الوقایع المصریه نیز که در سال ۱۸۲۸ م. به دستور محمدعلی پاشا و توسط رفاعه رافع الطهطاوی دایر شد، ۳۵ سال پیش از اولین روزنامه رسمی ایران، یعنی روزنامه وقایع اتفاقیه که در سال ۱۲۸۰ ه. ق. / ۱۸۶۴ م. به دستور امیرکبیر منتشر شد، شروع به کار نمود.

در امر ترجمه متون خارجی نیز با توجه به این که این کار پس از تأسیس مدارس نوین و به دلیل نیاز به منابع خارجی آغاز شد، با در نظر گرفتن تاریخ تأسیس و شروع به کار مدارس نوین در لبنان و مصر می‌توان چنین نتیجه گرفت که اعراب پیش از ایرانیان کار ترجمه متون غربی را آغاز نمودند.

۲-۲- تاریخچه پیدایش و تحول رمان در ایران و کشورهای عربی

مجموعه عوامل و مقدماتی که ذکر آن گذشت، ضمن ایجاد تحول در ایران و ممالک عربی، به ویژه مصر، نگاه ادبیات به جامعه را دست‌خوش تغییر نمود. جامعه‌ای که انسان نقش خود را در متن آن تثبیت نمود و تعریف جامعه و یا پرداختن به مسایل آن بدون در

نظر گرفتن تمامیت او ممکن نبود و نوع ادبی مناسب برای به تصویر کشیدن این وضعیت، رمان بود که ایرانیان و اعراب پس از آشنایی با این نوع ادبی سرآمد به استقبال آن رفتند و به تدریج، در احساس تفاخر و خودبسندگی نسبت به موارد ادب کلاسیک خود تجدید نظر نمودند.

ورود رمان به ادبیات ایران و کشورهای عربی که در ابتدا با ترجمه آغاز شد، نهایتاً با خلق و آفرینش رمان، نه تنها به موجودیت رمان در عرصه ادبیات رسمیت بخشید، بلکه آن را در حکم رقیبی نیرومند در برابر ادبیات منظوم مطرح ساخت.

۲-۲-۱- ترجمه و اقتباس

پس از شروع نهضت ترجمه و بازگرداندن کتب علمی و فنی به زبان عربی، به تدریج، راه ورود آثار ادبی غرب به فرهنگ، زبان و ادبیات عرب با مشارکت تمام نحله‌های فکری با سلايق ادبی و هنری متنوع هموار شد و طولی نکشید که اعراب با انبوهی از متون غربی مواجه شدند. در حوزه ادبیات، انواع رمان و داستان کوتاه بیشتر مورد توجه قرار گرفت. گویی گرایش به داستان از همه حوزه‌ها بیشتر بود. ترجمه رمان ابتدا در روزنامه‌های بیروت و قاهره که در اواسط قرن نوزدهم تعداد آن‌ها کم نبود، به چاپ می‌رسید.

رمان‌ها اغلب فرانسوی و انگلیسی بودند و معمولاً به صورت پی در پی ترجمه و چاپ می‌شدند. از مهم‌ترین نشریاتی که به چاپ ترجمه‌های داستانی مبادرت می‌ورزیدند، می‌توان از نشریه *حدیقه الاخبار* (بیروت، ۱۸۵۸ م.)، *الجنان* (بیروت، ۱۸۷۰ م.)، *الهلال*، *المقتطف* و *الضیاء* در قاهره نام برد. روزنامه *الاهرام* (اسکندریه، ۱۸۷۵ م.) نیز به چاپ داستان‌های پیاپی مبادرت می‌ورزید.

نشریات *سلسله الفكاهه* (بیروت، ۱۸۸۴ م.)، *منتخب الروایات* (قاهره، ۱۸۹۴ م.)، *سلسله الروایات العثمانیه* (طنطا، ۱۹۰۸ م.) و *السّمیر* (اسکندریه، ۱۹۱۱ م.) از جمله نشریاتی بودند که در سال‌های بعد کار چاپ ترجمه‌های داستانی را ادامه دادند (آژند، ۱۳۷۳: ۸۴).

پس از چاپ ترجمه داستان در روزنامه‌ها و نشریات، چاپ داستان‌های ترجمه شده به صورت کتاب نیز آغاز شد. از نخستین کسانی که به ترجمه رمان پرداخت، نجیب حداد

لبنانی (۱۸۶۷-۱۸۸۹م.) بود که رمان چهار جلدی *سه تفنگ‌دار* دوامی فرانسوی را ترجمه و جلد اول آن را در سال ۱۸۸۸م. منتشر کرد. (الفاخوری، ۱۳۸۹: ۶۶۷). سپس، آثاری مانند *آندروماک* اثر راسین، *بعد از طوفان*، اثر هنری بوردو، *پاریسی زیبا*، اثر کونتس داش و *روکامبول* اثر بنسون دوترای به عربی برگردانده شدند (فرزاد، ۱۳۷۷: ۲۵).

رمان‌هایی که برای ترجمه انتخاب می‌شدند، غالباً سرگرم کننده و دارای ماجراهای مهیج، عشقی و رمانتیک بودند و اعتبار هنری یا شهرت نویسنده در انتخاب آن‌ها برای ترجمه، کم‌تر اهمیت داشت. اکثر مترجمان نیز به متن اصلی وفادار نبودند و ترجمه‌ها بیشتر حالت اقتباس به خود می‌گرفت و شاید یکی از دلایل این امر، اختلاف فرهنگی غرب با جامعه سنتی عرب بود؛ چرا که مضامین به کار گرفته شده در رمان‌ها با معیارهای فرهنگی و اخلاقی اعراب سازگار نبود و به همین دلیل، آنان سعی می‌کردند که در فرآیند ترجمه از حال و هوای داستان کاسته و جلوه‌های فرهنگ غربی در آن تعدیل شود. در ایران هم‌زمان با نخستین آشنایی ایرانیان با تمدن غرب در زمان عباس میرزا و ترجمه آثاری مانند *تاریخ پطرکبیر* اثر ولتر و بعد کتاب *انحطاط و سقوط امپراطوری روم* اثر ادوارد گیبون، ترجمه متون به زبان فارسی آغاز شده بود؛ اما نقش ترجمه به عنوان نهضتی فراگیر که راه ورود رمان را به ایران هموار کرد، پس از تأسیس دارالفنون و آشنایی دانش‌پژوهان ایرانی با شیوه‌های نوین علمی و ادبی، به طرز ویژه‌ای برجسته شد و با تأسیس دارالترجمه توسط امیرکبیر، ترجمه به یکی از مهم‌ترین عوامل روی آوردن نویسندگان ایرانی به ادبیات داستانی غرب مبدل شد.

به جز ترجمه *سرگذشت دون کیشوت* که داوود خانوف، استاد روسی دارالفنون به زبان فارسی ترجمه کرد، اغلب کتاب‌ها از زبان فرانسه به فارسی برگردانده می‌شد؛ «چرا که فرانسه از دیرباز به عنوان دریچه‌ای برای ورود سنت‌های اشرافیت درباری از یک سو، و اندیشه‌های مترقی و روشنگرانه از سوی دیگر، به روی حکومت و جامعه روسیه و عثمانی گشوده شده بود و ایرانیان از همان رویه پیروی می‌کردند» (بهنام، ۱۳۷۵: ۴۴). همچنین،

زبان فرانسه زبان رایج دربار و دارالفنون بود و «بعدها به خاطر حضور مستشاران بلژیکی زبان دستگاه حکومتی ایران گردید» (همان‌جا).

یکی از بهترین مترجمان این دوره میرزا حسین‌خان ذکاءالملک (۱۳۲۵ - ۱۲۵۵ ه.ق.)، بنیان‌گذار مدرسه علوم سیاسی و دوست صمیمی اعتمادالسلطنه وزیر بود. او «چندین اثر از آثار ادبیات فرانسه را ترجمه کرده است که از آن جمله‌اند *پل و ویرژینی*، اثر برنارد دوسن پیر (با عنوان *عشق و عفت*) و اثر دیگر گمنام‌تری از همان نویسنده به نام *کلبه هندی* و نیز دو رمان از ژول ورن به نام‌های *کاپیتان آتراس* و *دور دنیا در هشتاد روز*» (بالایی، ۱۳۷۸: ۳۰).

مترجم معروف دیگر شاهزاده محمدطاهر میرزا از نوادگان فتحعلی‌شاه است که کتاب *سه تفنگدار الکساندر دوما* (را به فرمان مظفرالدین‌شاه) و *کنت دو مونت کریستو* را به فارسی ترجمه کرد.

در مورد ترجمه رمان در ایران و کشورهای عرب چند نکته مهم قابل ذکر است:

نخست اینکه انتخاب این آثار روئیه مشخصی نداشته است؛ «ظاهراً این امر منوط است به سلیقه‌های گوناگون و تجربه‌های فردی یا به مسافرت‌های مترجمان به اروپا، و تا حد زیادی نیز به فضای ادبی فرانسه در قرن نوزدهم مربوط است». (همان‌جا). همین امر باعث شد آثار نویسندگان بزرگی چون بالزاک، استندال و فلورب؛ و ویکتور هوگو که نخستین ترجمه از آثارش در اوایل قرن بیستم انجام شد، تا مدت‌ها مورد غفلت واقع شود.

نکته دوم که به ویژه به اقتضای موضوع تحقیق، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد این است که اغلب رمان‌های تاریخی با واسطه زبان‌های عربی و ترکی از فرانسوی به فارسی ترجمه می‌شدند. مثلاً «محمدطاهر میرزا (۱۲۵۰-۱۳۱۶ ه.ق.) رمان تاریخی *لورد هوپ* اثر الکساندر دوما را از نسخه ترکی آن به فارسی برگرداند و یا علی‌قلی‌خان سردار اسعد بختیاری (۱۲۷۴-۱۳۳۶) رمان تاریخی *مادموزال مارگریت گوتیه*، *شوالیه دارمان تال* و *دختر فرعون*، نوشته دوما را از نسخه عربی به فارسی ترجمه کرد» (غلام، ۱۳۸۰: ۱۵۲). این نکته اگر چه الگو پذیری ایران از پیشرفت‌های عثمانی در مسیر تجددگرایی و نیز اشراف و تسلط برخی

نویسندگان به زبان‌های عربی و ترکی و ناتوانی آنان در فهم و ترجمه آثار فرانسوی را برملا می‌کند، یادآور مسئله مهم‌تری نیز هست و آن این‌که این رمان‌ها قبل از ورود به عرصه ادبی ایران به ادبیات داستانی عرب راه یافته بودند و در پی آن، نویسنده‌ای چون جرجی زیدان مصری به درجه‌ای از توانایی در خلق آثار داستانی رسیده بود که رمان‌های او از عربی به فارسی برگردانده می‌شد. تاریخ سلمی، ارمانوس خاتون مصری، خانم شاهی، هفدهم رمضان و آدم جدید از مهم‌ترین رمان‌های تاریخی ادبیات عرب بود که به فارسی برگردانده شدند. «همچنین، محمدباقر میرزا خسروی نویسنده نخستین رمان تاریخی فارسی به نام شمس و طغرا، که به زبان عربی تسلط داشته، پیش از نگارش شمس و طغرا، رمان عذراء قریش جرجی زیدان را به فارسی برگردانده بود و در نگارش شمس و طغرا نیز به شدت تحت تأثیر آثار زیدان قرار داشت» (همان: ۱۵۵-۱۵۶).

نکته سوم اینکه برخلاف مصر و لبنان که ترجمه رمان‌ها با چاپ آن در روزنامه‌ها و نشریات آغاز شد و مترجمان عرب مدت‌ها بعد به چاپ ترجمه رمان‌ها به صورت کتاب روی آوردند، چاپ ترجمه رمان در ایران به صورت کتاب از همان ابتدا رونق بیشتری داشت.

نکته چهارم درباره تعداد اندک رمان‌نویسان ایرانی است که به امر ترجمه مبادرت می‌ورزیدند. این نویسندگان در دوره اول ترجمه (از آغاز تا ۱۲۷۹ ه.ش. / ۱۹۰۰ م.) بسیار اندک بودند. عبدالرحیم طالبوف نویسنده کتاب / حمد و میرزا آقاخان کرمانی از معدود نویسندگان مترجم این دوره‌اند. تعداد رمان‌نویسان مترجم در دومین دوره ترجمه از (۱۲۷۹ ه.ش. / ۱۹۰۰ م. تا ۱۳۰۰ ه.ش. / ۱۹۲۱ م.) به حداقل رسید و می‌توان گفت که در این دوره، تقریباً هیچ نویسنده مشهوری در میان مترجمان وجود ندارد. البته تعداد این نویسندگان در دوره‌های بعد رو به فزونی نهاد. (بالایی، ۱۳۸۶: ۷۷) و این مسئله در مقایسه با تعداد رمان‌نویسان عرب که به امر ترجمه اهتمام می‌ورزیدند، در خور توجه است.

نکته آخر فاصله زمانی بین ترجمه و خلق رمان است. در ایران صرف نظر از نسخه‌های ترجمه بدون تاریخ، اولین آثاری که به فارسی برگردانده شده‌اند، مربوط به دهه اول قرن

چهاردهم ه.ق. است. تله ماک اثر فنلون با ترجمه علی خان نظام‌العلوم (۱۳۰۴ ه.ق./۱۸۸۶ م.)، کنت دو مونت کریستو اثر الکساندر دوما با ترجمه محمدطاهر میرزا (۱۳۰۹ ه.ق./۱۸۹۱ م.) و سیاحت‌نامه کاپیتان آتراس اثر ژول ورن با ترجمه اعتمادالسلطنه (۱۳۱۱ ه.ق./۱۸۹۳ م.) از جمله اولین آثار رمان‌گونه ترجمه شده به زبان فارسی محسوب می‌شوند. اولین اثر داستانی این دوره که ویژگی‌هایی از رمان را در خود دارد و بسیاری آن را به عنوان نخستین رمان فارسی محسوب می‌کنند، رمان تاریخی شمس و طغرا است که در ماه رجب ۱۳۲۵ (۱۲۸۶ ه.ش./۱۹۰۷ م.) به قلم میرزا محمد باقر خسروی نوشته شد. به این ترتیب، میان ترجمه اولین آثار داستانی آفرینش ادبی رمان در ادبیات داستانی ایران حدوداً بیست سال فاصله زمانی وجود دارد و این مسئله، در مقایسه با مصر که در آن مترجمانی مانند سلیم البستانی هم‌زمان با ترجمه به نوشتن داستان مبادرت می‌ورزید، در خور توجه است.

۲-۲-۲- خلق آثار اصلی

میان کار ترجمه و آفرینش ادبی در عرصه ادبیات داستانی عرب نمی‌توان مرز زمانی مشخصی قایل شد؛ چرا که آفرینش آثار داستانی با شکل‌های ابتدایی آن، گاه با کار ترجمه همراه بود و همان‌طور که اشاره شد، «در این مورد می‌توان سلیم البستانی را شاهد آورد که در بین سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۴ م در نشریه الجنان بالغ بر پنج اثر متوالی و پیاپی نوشت و در عین حال، رمان‌های فرانسوی را به عربی برگرداند». (آژند، ۱۳۷۳: ۸۵).

مشکل عدم تطابق و سازش‌ناپذیری مظاهر فرهنگ غربی با معیارهای فرهنگی جوامع عربی در این دوره به طور جدی‌تری مطرح شد؛ زیرا نویسندگان این دوره که در آغاز راه از عناصر تقلیدی پیش پا افتاده در آفرینش رمان سود می‌جستند، گاه به دلیل محدودیت‌های فرهنگی برای دوری جستن از واکنش‌های اخلاقی جامعه مجبور به تغییر موقعیت داستان و انتقال آن به سرزمینی بیگانه می‌شدند و یا شخصیت‌های داستانشان را از افراد بیگانه انتخاب می‌کردند. داستان فتاه الاهرام، اثر محمد محمود و فتاه المصر، اثر یعقوب صروف از این قبیل‌اند. به کار نگرفتن چنین شگردهایی موجب می‌شد، نویسنده در معرض

انتقادات شدید سنت‌گرایان و متحجرین قرار گیرد. نمونه بارز این مسئله سلیم البستانی است که به خاطر انتشار داستان *ذات الخضر* (۱۸۹۴م.) که در آن نتایج غم‌بار یک ازدواج نامطلوب را در یک خانواده متمول و مقیم اسکندریه نشان داده بود، مورد انتقاد شدید قرار گرفت. (ویال، ۱۳۷۳: ۸۶).

ولی نخستین نشانه‌های آفرینش رمان ایرانی در سال ۱۲۷۳ ه.ق. (۱۲۳۵ ه.ش. / ۱۸۵۷ م.) و زمانی بروز کرد که میرزا فتح‌علی آخوندزاده *ستارگان فریب خورده* یا *حکایت یوسف شاه سراج* را به زبان ترکی نوشت. آخوندزاده که از روشن‌فکران عصر خود محسوب می‌شد، طی نامه‌ای به میرزا آقا تبریزی درباره ضرورت ترویج رمان در ایران می‌نویسد: «دور گلستان و زینت المجالس گذشته است. امروز این قبیل تصنیفات به کار نمی‌آید. امروز تصنیفی که متضمن فواید ملت و مرغوب طبایع خوانندگان است، فن دراما و رمان است.» (میرعابدینی، ۱۳۸۷، ج ۱ و ۲: ۱۷).

ستارگان فریب‌خورده را از این جهت که حوادث آن در زمان سلطنت شاه عباس بزرگ اتفاق افتاد، می‌توان رمانی تاریخی محسوب نمود؛ اما نگارش آن به زبان ترکی است و از این رو، می‌توان آن را اولین اثر داستانی ایرانی و نه فارسی دانست که دارای ویژگی‌های رمان تاریخی است.

از این اثر داستانی که بگذریم، در فرآیند شکل‌گیری رمان شاهد مراحل هستیم که ادبیات داستانی رشد تدریجی خود را با آثار شبه‌داستانی آغاز می‌کند. این نوع آثار بیشتر از دو جنبه قابل توجه‌اند: «یکی آن‌که در مسیر مراحل پیشرفت، فضای بین رمانس و رمان را پر می‌کنند (این آثار در واقع، رمان‌هایی یا داستان‌های کوتاه ناقصی هستند که بعضی از ویژگی‌های رمان و بعضی از ویژگی‌های رمانس را توأمان دارند) و دیگر اینکه زبان را مناسب ساختند و آن را کاملاً برای پذیرش رمان آماده کردند» (عبداللهیان، ۱۳۷۷: ۱۸).

آثار شبه‌داستانی خود دو نوع‌اند: ۱- سفرنامه‌های خیالی و ۲- شبه‌داستان‌های کوتاه. سفرنامه‌های خیالی اگر چه ویژگی‌هایی از سفرنامه‌های گذشته را در خود دارند، به دلیل به کارگیری عناصر ساختاری رمان از جمله شخصیت، حادثه و گرهِ‌گشایی تفاوت قابل

ملاحظه‌ای با قالب گذشته خود دارند. با وجود این، به کارگیری شگردهای سنتی قصه‌گویی، آن را با قالب گذشته‌اش پیوند می‌دهد.

از مهم‌ترین این نوع سفرنامه‌ها می‌توان از سیاحت نامه ابراهیم بیگ، اثر زین‌العابدین مراغه‌ای نام برد. این اثر، سه جلدی است و جلد اول آن حدود سال ۱۳۱۲ ه.ق./۱۸۹۴ م. در قاهره و جلدهای بعدی آن در کلکته (۱۳۲۳ ه.ق./۱۹۰۶ م.) و استانبول (۱۳۲۷ ه.ق./۱۹۰۱ م.) به چاپ رسید. برخی این کتاب را «نخستین نوول زبان فارسی» به حساب می‌آورند. بعد از آن، می‌توان از کتاب احمد یا سفینه طالبی نام برد که عبدالرحیم طالبوف آن را به شیوه/میل ژان ژاک روسو نوشت و او را به شهرت رساند. (بالایی و کویی پرس، ۱۳۸۷:۳۸).

اما مهم‌ترین اثر در این زمینه سرگذشت حاجی بابا، اثر جیمز موریه نویسنده و دیپلمات انگلیسی مقارن سلطنت فتحعلی‌شاه است که در سال ۱۸۲۴ م. در لندن به چاپ رسید و میرزا حبیب اصفهانی در سال ۱۸۸۵ م. (۱۲۶۴ ه.ق./۱۳۰۳ ه.ش.) آن را به شکل هنرمندانه‌ای به فارسی برگرداند. قهرمان داستان حاجی‌بابا قسمتی از روی نمونه زنده میرزا بابا افشار، طبیب فرنگ‌دیده عباس میرزا برداشته شده و می‌گویند او همیشه از این کار موریه دلخور بوده است (دستغیب، ۱۳۸۶: ۷۹).

شبه داستان‌های کوتاه، یکی دیگر از اشکال داستانی است که مجال حضور داستان را در روزنامه‌ها و مجلات فراهم کرد. این آثار شامل مجموعه مقالاتی می‌شد که در قالب گفت‌وگو میان چند نفر به بیان حکایت و داستان می‌پرداخت. مهم‌ترین این نوع مقالات چرند و پرنده دهخدا بود که در مجله صوراسرافیل چاپ می‌شد و الگوی دهخدا در آفرینش آن کتاب احمد اثر طالبوف بود.

۲-۲-۳- رمان تاریخی

اولین نمونه‌های آثار داستانی عرب به شیوه نوین در قالب رمان‌های تاریخی خلق شد. دلیل گرایش نویسندگان عرب به آن نیز محدودیت در به کارگیری شیوه‌ها و مضامین متداول در رمان‌های غربی بود که با فرهنگ اعراب در تعارض بود و تمایل به حفظ

معیارها، فنون و تکنیک‌های آفرینش رمان، نویسندگان عرب را به سمت استفاده از مضامین و موضوعات تاریخی که مردم را از گذشته‌شان نیز مطلع می‌ساخت، سوق داد. اگر چه نبود استقلال سیاسی و زیستن تحت حاکمیت ترکان و دور افتادن اعراب از امپراتوری بزرگ اسلامی که به زعم آنان در پیوند مستقیم با قومیت عربی بود و جستجوی هویت را به شکل جدی در میان اعراب مطرح ساخته بود، و هم چنین، رواج ترجمه متون تاریخی را نیز نمی‌توان در گرایش نویسندگان به خلق این گونه رمان‌ها بی‌تاثیر دانست.

از اولین نویسندگان رمان تاریخی می‌توان از جمیل مدور که در سال ۱۸۸۱ م. در بیروت یک رمان تاریخی دربارهٔ خلافت عباسی بغداد منتشر کرد و سلیم البستانی که در سال ۱۸۸۴ م. داستان‌هایی چون *زنوبیا و بدور* را با نگرشی تاریخی نوشت و برای اولین بار داستان‌های طولانی را در ادبیات عرب آغاز کرد، نام برد.

معروف‌ترین نویسندهٔ عرب که به رمان تاریخی روی آورد، جرجی زیدان است که بیست و چهار رمان تاریخی نوشت و آن‌ها را در روزنامهٔ *الهلال* قاهره که خود سرپرستی آن را به عهده داشت، به چاپ رساند. از مهم‌ترین داستان‌های او می‌توان از *فتاه غسان*، *عذراء قریش و الحجاج* نام برد. احمد شوقی که در سال ۱۹۸۷ م. رمان *عذراء الهند* را با بهره‌گیری از تاریخ عصر رامسس دوم نوشت، نیز می‌توان در این زمره گنجاند.

در ایران نیز پس از برداشتن نخستین گام‌ها در داستان نویسی به سبک جدید، شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه، نگاه نویسندگان را به خلق رمان‌های تاریخی معطوف نمود. یکی از مهم‌ترین دلایل این رویکرد نزد نویسندگان، همانند کشورهای عربی، به وجود آمدن بحران هویت بود. ناکامی‌هایی که در ضعف دستگاه قاجار و شکست‌های پی‌در پی طی دو جنگ با روسیه و شکست جنبش مشروطه ریشه داشت، ضمن ایجاد یأس و ناامیدی، احساس به جستجوی هویت را در میان نویسندگان و روشن‌فکران زنده کرد و آن‌ها را برای یافتن این هویت از دست رفته راهی گذشته‌های دور دست نمود. «رمان تاریخی در این دورهٔ بحرانی به عنوان مطرح‌ترین نوع (ژانر) ادبی رخ می‌نماید و طرز بیان هنری تجلیل از مردان بزرگی می‌شود که در گذشته منجی ایران بوده‌اند.» (میرعابدینی،

۱۳۸۷، ج ۱ و ۲: ۲۸). صرف نظر از این مسئله، ترجمه رمان‌های تاریخی که از سال ۱۲۶۰ ه.ش./۱۸۸۲ م. آغاز شده بود، در گرایش نویسندگان فارسی زبان به خلق رمان تاریخی تأثیر جدی داشته است.

کتاب *خلسه یا انحطاط ایران*، اثر اعتمادالسلطنه که در سال ۱۳۱۰ ه.ق./۱۸۹۲ م. نوشته شد، نخستین گام در خلق رمان تاریخی است. از این روست که آن را «نیای رمان‌های تاریخی» فارسی می‌دانند.

اما برجسته‌ترین اثر در این زمینه، رمان سه جلدی *شمس و طغرا* است که به قلم میرزا محمدباقر خسروی، یکی از نوادگان فتحعلی شاه طی سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۸ ه.ق. (۱۹۰۹ - ۱۹۱۰ م.) نوشته شد و موضوع آن اتفاقات جامعه آشوب‌زده ایران در عصر فرمانروایی مغول است. این رمان‌ها «از سویی ادامه داستان‌های عامیانه‌ای چون امیر ارسلان‌اند و از سوی دیگر، از رمان‌های الکساندر دوما و جرجی زیدان تأثیر پذیرفته‌اند». (میرعبدینی، ۱۳۸۷، ج ۱ و ۲: ۳۴).

عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش کبیر (۱۳۳۴ ه.ق./۱۹۱۶ م.)، اثر شیخ موسی کبودرآهنگی، *داستان باستان یا سرگذشت کوروش* (۱۳۳۰ ه.ق./۱۹۲۰ م.)، *دام‌گستران* یا *انتقام‌خواهان مزدک* (۱۳۳۹ ه.ق./۱۹۲۱ م.)، اثر صنعتی‌زاده کرمانی از دیگر رمان‌های مهم تاریخی فارسی محسوب می‌شوند. با در نظر گرفتن تاریخ نگارش شمس و طغرا و رمان‌های سلیم البستانی، یعنی رمان‌های *زنوبیا* و *بادور* که در سال ۱۸۸۴ م. نوشته شده‌اند، باید اذعان نمود که اولین رمان تاریخی فارسی حدود ۲۵ سال پس از رمان‌های تاریخی عرب نوشته شده است. ضمن این - که ترجمه آثار جرجی زیدان نیز مؤید پیش‌گامی اعراب در این زمینه است.

۲-۲-۴- رمان‌های اجتماعی

اشتیاق به خلق رمان‌های تاریخی که تحت تأثیر ناسیونالیسم و احیای روح ملی به وجود آمده بود، به تدریج کاهش یافت و نویسندگان به تدریج دریافته‌اند که به جای افتخار به گذشته‌های دور دست، باید به انعکاس مسایل جامعه‌ای پردازند که در آن زندگی

می‌کنند. به این ترتیب، «توجه به داستان‌های هم‌زمان، نظریه عمیقاً رمانتیک رمان تاریخی را که تنها فرد استثنایی تاریخی می‌تواند قهرمان رمان باشد، مورد شک و تردید قرار داد» (میرعابدینی، ۱۳۸۷، ج ۱ و ۲: ۵۴). علاوه بر این، «تغییر شکل مناسبات اجتماعی، اعتلای بینش مدنی و رشد طبقه متوسط شهرنشین، عمده‌ترین عوامل افول رمان تاریخی و رواج رمان اجتماعی به عنوان فرم ادبی روزگار بودند». (روزبه، ۱۳۸۷: ۶۲). مهم‌ترین مسایلی که در رمان‌های اجتماعی به آن‌ها پرداخته شد، زندگی شهری، زن و مسئله فحشاست. این روی کرد البته تحت تأثیر نویسندگانی چون ویکتور هوگو و الکساندر دوما شکل گرفت. اما اولین رمان اجتماعی فارسی تهران مخوف است که مرتضی مشفق کاظمی آن را در سال ۱۳۰۱ ه.ش. / ۱۹۲۲ م. ابتدا به صورت پاورقی در روزنامه ستاره ایران و اندکی بعد، یعنی در سال ۱۳۰۳ ه.ش. / ۱۹۲۴ م. به صورت کتاب به چاپ رساند. رمان‌های روزگار سیاه (۱۳۰۲ ه.ش. / ۱۹۲۴ م.) و انتقام (۱۳۰۳ ه.ش. / ۱۹۲۵ م.)، اثر عباس خلیلی، و شهرناز (۱۳۰۴ ه.ش. / ۱۹۲۶ م.)، اثر یحیی دولت‌آبادی نیز از جمله اولین رمان‌های اجتماعی فارسی محسوب می‌شوند.

در ادبیات داستانی عرب، رمان *ذات الخضر* (۱۸۹۴ م.) سلیم البستانی، *النظرات* (۱۹۱۰-۱۹۱۲ م.) و *العبرات* (۱۹۱۵ م.) منفلوطی و هم‌چنین، *الاجنحه المکسره* (۱۹۱۲ م.) جبران خلیل جبران را می‌توان نخستین رمان‌های اجتماعی عرب نامید؛ اما بهترین رمان اجتماعی عرب، نخستین رمان فنی ادبیات داستانی عرب بود.

۲-۳- تولد اولین رمان فنی

اولین اثری که از آن به عنوان نخستین رمان عربی نام می‌برند، رمان زینب است که در سال ۱۹۱۴ م. توسط محمدحسین هیکل مصری (۱۹۵۶-۱۸۸۸ م.) که در آن زمان دانشجویی جوان بود، در پاریس به چاپ رسید. این رمان اگر چه «اولین رمان تمام‌عیار در ادبیات عرب به حساب می‌آید» (ایروین، ۱۳۸۰: ۳۶)، اما برخی از منتقدین نیز معتقدند که این رمان در سطحی نیست که بتواند امتیازی مهم در قصه‌نویسی کسب کند. قصه زینب ماجرای دل‌بستگی جوانی به دختر عمویش است که اختلاف طبقاتی مانع ازدواج این دو،

حتی ابراز عشق‌شان به هم می‌شود. هیکل در این قصه تمامی سنت‌های پوسیده و اعتقادات خرافی روستاهای مصر را با واژگان به تصویر می‌کشد و تا حدی نیز از آن انتقاد می‌کند. (فرزاد، ۱۳۷۷: ۲۵-۲۶).

در ایران، اولین رمان مدرن و تمام‌عیار فارسی بوف کور، اثر صادق هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰ ه.ش. ۱۹۰۳-۱۹۵۱ م.) است که در سال ۱۳۱۵ ه.ش. / ۱۹۳۶ م. در بمبئی منتشر شد. این رمان که به سبک فراواقع و با بهره‌گیری از تکنیک‌های مدرن روان‌کاوی نگاشته شده است، رمان فارسی را برای اولین بار در سطح فراملی مطرح نمود. حتی برخی از نویسندگان اروپایی این رمان را جزء آثار موفق در زمینه ادبیات داستانی جهان می‌دانند. با مقایسه دو رمان فنی ایران و عرب به دو نکته مهم پی می‌بریم. یکی این که اولین رمان تمام‌عیار فارسی حدود بیست سال پس از اولین رمان فنی عرب نوشته شد و دوم این که هر دوی این رمان‌ها در خارج از کشور منتشر شده‌اند: رمان زینب در پاریس و بوف کور در بمبئی.

۲-۴- افول رمان و رواج داستان کوتاه

رمان زینب با این که آغاز امیدوارکننده‌ای را برای ادبیات داستانی عرب نوید می‌داد، پس از انتشار آن «رمان‌نویسی مدت پانزده سال در ورطه سکوت افتاد» (آژند، ۱۳۷۳: ۷۷) و داستان کوتاه جای آن را پر کرد. در بیان مهم‌ترین علل افول رمان باید گفت که رمان عرب به دلیل این که «بلندپروازی‌های روشن‌فکرانه محدودی داشت؛ لذا نتوانست افکار عمومی را آن‌مايه تکان دهد که پیش‌روان و مقلدان زیادی پیدا کند» (ایروین، ۱۳۷۳: ۸۶).

یکی از مهم‌ترین دلایل رواج داستان کوتاه را می‌توان به تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده پس از انقلاب ناسیونالیستی ۱۹۱۹ م. مصر نسبت داد که گرایش نویسندگان به واقع‌گرایی و پرهیز از خیال‌پردازی و موهوم‌پرستی را به دنبال داشت. شکل‌گیری نهضت مطبوعات، بهبود وضعیت زنان، رفع سانسور مطبوعات و آزادی احزاب

از جمله پی آمده‌های مهم انقلاب ۱۹۱۹م. مصر بود که گرایش نویسندگان مصری به داستان کوتاه را شدت بخشید. (جوهر کلام، ۱۳۷۳: ۳۸-۳۹).

رواج داستان کوتاه مدت‌ها ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۲۹ م. در حالی که رمان زینب به چاپ دوم می‌رسید، طه حسین قسمت اول رمان *الایام* را منتشر کرد و با انتشار آن سکوت پانزده ساله رمان عربی را شکست و رواج دوباره رمان را به ارمغان آورد.

در ایران، حدود سه سال پیش از انتشار اولین رمان اجتماعی فارسی (*تهران مخوف*) محمدعلی جمال‌زاده با خلق داستان کوتاه یکی بود یکی نبود مهم‌ترین روی داد تاریخی ادبیات داستانی را رقم زد. این روی داد که همراه با به کار گرفتن آگاهانه تکنیک داستان‌نویسی اروپایی در نثر فارسی بود، انقلاب ادبی واقعی بود که بلافاصله جمال‌زاده را در کسوت پیشوای نوول‌نویسی فارسی بلندآوازه کرد. (بالایی و کویی پرس، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

علاوه بر مهارت جمال‌زاده در خلق یکی بود یکی نبود که الگوی بسیاری از نویسندگان بعدی شد، عواملی چون مهارت ناکافی رمان‌نویسان در آفرینش رمانی با معیارهای مطلوب، چاپ آسان داستان کوتاه به نسبت رمان و زبان ساده‌تر داستان کوتاه در مقایسه با زبان تفاخر آمیز و تملق‌آلود رمان تاریخی که اصالت‌های اشرافی را زنده می‌کرد، به افول رمان و رواج داستان کوتاه دامن زد. ضمن این که پیوند داستان کوتاه با حکایات داستان‌نویسی سنتی زمینه این رواج را بیشتر فراهم کرد. پس از جمال‌زاده، صادق هدایت با آثاری چون *زننده به گور* (۱۳۰۹ ه.ش.)، *سه قطره خون* (۱۳۱۱ ه.ش.)، *بزرگ علوی* با مجموعه داستانی *چمدان* (۱۳۱۳ ه.ش.) و بعدها سعید نفیسی، صادق چوبک، جلال آل‌احمد و ... آثار ارزشمندی در این زمینه خلق کردند.

رمان عرب در دهه‌های بعد و با ظهور نویسندگان خوش‌ذوق و خلاق؛ و با آموختن شیوه‌ها و سبک‌های نوین و استفاده از سنت‌های بومی عرب و گنجاندن واقعیت‌های اجتماعی و مصایب و مشکلات جوامع عربی در رمان و به ویژه وارد کردن مسایل مربوط به تراژدی فلسطین و مضامین ادبیات مقاومت گام‌های بلندی در رسیدن به حدود مطلوب رمان‌نویسی و معرفی رمان عرب به فراسوی مرزهای ممالک عربی برداشت.

اتفاقی که در سال ۱۹۸۸ م. با دست‌یابی نجیب محفوظ، نویسندهٔ مصری خالق رمان معروف *میرامار*، به جایزهٔ نوبل ادبی محقق و موجب شد رمان‌نویسان دیگر در بسیاری از ممالک عربی (علاوه بر مصر و لبنان) با خلق رمان‌های فاخر، رمان عرب را در عرصهٔ ادبیات داستانی بیش از پیش مطرح نمایند. این در حالی است که در ایران، علی‌رغم ظهور نویسندگان موفقی چون صادق چوبک، سیمین دانشور، احمد محمود، علی‌محمد افغانی، هوشنگ گلشیری و ...، رمان فارسی هرگز به تالار افتخارات بین‌المللی راه نیافت و برخلاف رمان عرب که علاوه بر کسب جایزهٔ نوبل ادبی، به کسب جوایز معتبر دیگر جهانی نایل آمد، در رسیدن به این توفیقات خود را ناتوان نشان داد. این وضعیت در ترجمهٔ تعداد رمان‌های عربی به فارسی و بالعکس نیز که نسبت ناامیدکننده‌ای را برای رمان فارسی برملا می‌سازد، کاملاً مشهود است. البته پرداختن به علل و عوامل این ناکامی نیازمند فرصتی مستقل و بحثی جداگانه است.

۳- نتیجه‌گیری

با توجه به این که رمان محصول جامعهٔ مدرن و تحوّل یافتهٔ اروپاست، شکوه گذشته و موارث ارزشمند ادب ایران و عرب به دلیل تفاوت ماهوی با رمان، بر پیدایش و شکل‌گیری آن در این دو منطقه اثرگذار نبود. بررسی عوامل مؤثر ظهور رمان در ایران و کشورهای عربی نشان می‌دهد که اعراب، با پیش‌گامی مصر، از نظر موقعیت جغرافیایی، رویدادهای مؤثر تاریخی، دولت‌مردان اصلاح طلب و .. در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به ایران به سر می‌بردند و به همین دلیل، اقدامات عملی نظیر تأسیس مدارس، دایر شدن چاپ‌خانه، انتشار روزنامه، ترجمهٔ متون و ... که در پیدایش رمان نقش محوری داشته‌اند، با تقدّم زمانی قابل توجهی در کشورهای عربی صورت گرفت و شاید بتوان یکی از دلایل توفیق نسبی ادبیات داستانی اعراب را در مقایسه با ایران به همین مسئله نسبت داد. ترجمهٔ رمان‌های غربی به زبان فارسی، از روی نسخهٔ عربی و تاریخ انتشار اولین رمان‌های عربی مبین این نکته است که اعراب زودتر از ایرانیان به ترجمه و خلق رمان مبادرت ورزیدند.

نخستین نمونه‌های رمان در ایران و کشورهای عربی در قالب رمان تاریخی خلق شده‌اند؛ که مهم‌ترین دلایل آن را می‌توان به رواج ترجمه رمان‌های تاریخی ادبیات غرب در ایران و کشورهای عربی و وجود بحران هویت و رجوع به گذشته‌های دور، برای جستجوی هویت از دست رفته نسبت داد. به علاوه، وجود محدودیت‌های مذهبی و فرهنگی در مناسبات اجتماعی و خانوادگی، به ویژه مناسبات محدود بین زنان و مردان در کشورهای اسلامی و ایران از معضلات و موانع ترجمه صرف رمان بود و در ابتدا، مترجمان این ممالک را به تغییر موقعیت و زمان داستان وادار می‌نمود و همین مسئله ترجمه آثار را به اقتباس از آثار نزدیک می‌کرد. هم در ایران و هم در کشورهای عربی پس از خلق رمان‌های تاریخی، لزوم توجه به جامعه موجب رواج رمان اجتماعی شد و پس از آن، داستان کوتاه به دلیل نزدیکی آن به سبک حکایت‌های داستانی ادبیات کلاسیک ایران و عرب و نیز نداشتن مهارت کافی رمان‌نویسان، جای رمان را گرفت. اولین رمان موفق عرب در پاریس و اولین رمان تمام عیار فارسی در بمبئی چاپ شد که می‌توان آن را به وجود محدودیت‌های سیاسی در هر دو منطقه مورد بحث نسبت داد. این محدودیت‌ها در مورد رمان‌نویسان عرب در دوره‌های بعد، به دلیل وسعت و تنوع مرزهای جغرافیایی و وجود مخاطبان عرب زبان در کشورهای هم‌جوار، آنان را با مشکل کم‌تری به نسبت رمان‌نویسان ایرانی مواجه می‌کرد و شاید بتوان این مسئله را نیز در توفیق نسبی رمان عرب مؤثر دانست.

یادداشت

۱- این مقاله از پایان نامه دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور با عنوان "نقد تطبیقی رمان معاصر فارسی با عرب" استخراج گردید

فهرست منابع

الف: کتاب‌ها:

- ۱- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۰). *ایران بین دو انقلاب*، تهران: نشر نی، چاپ هشتم..
- ۲- آرزین پور، یحیی. (۱۳۸۷). *از صبا تا نیما*، ج ۱، تهران: زوار، چاپ نهم.

- ۳- الفاخوری، حنا. (۱۳۸۹). *تاریخ ادبیات زبان عربی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: توس چاپ نهم.
- ۴- بالایی، کریستف و میشل کویی پرس. (۱۳۷۸). *سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی*، ترجمه احمد کریمی حکاک، تهران. معین، انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران.
- ۵- بالایی، کریستف. (۱۳۸۶). *پیدایش رمان فارسی*، مترجمان مهوش قویمی - نسرين خطاط، تهران: معین، انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران، چاپ دوم.
- ۶- بهنام، جمشید. (۱۳۸۶). *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران: فرزانه، چاپ سوم.
- ۷- ترجانی زاده، احمد. (۱۳۴۸). *تاریخ ادبیات عرب*، تبریز: شمس.
- ۸- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۸۶). *پیدایش رمان فارسی*، شیراز: نوید.
- ۹- روزبه، محمدرضا. (۱۳۸۷). *ادبیات معاصر ایران*، تهران: روزگار، چاپ سوم.
- ۱۰- عنایت، حمید. (۱۳۸۹). *سیوری در اندیشه سیاسی عرب*، تهران: امیر کبیر، چاپ هفتم.
- ۱۱- فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۹۰). *تاریخ ادبیات عرب*، تهران: سخن، چاپ ششم.
- ۱۲- کسروی، احمد. (۱۳۸۴). *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: صدای معاصر، مجلد، چاپ پنجم.
- ۱۳- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۷). *صد سال داستان نویسی ایران*، ج ۱ و ۲، تهران: چشمه، چاپ پنجم.
- ۱۴- ویال، ج. (۱۳۷۳). *ادبیات داستانی در ایران و ممالک اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: آرمین.
- ۱۵- جواهر کلام، محمد. (۱۳۷۳). *نگاهی به داستان معاصر عرب*، تهران: مولف.
- ب: مقالات:**
- ۱۶- ایروین. رابرت. «نگاهی به ادبیات معاصر عرب»، ترجمه کریم لویمی مطلق. کتاب ماه ادبیات و فلسفه. شماره ۴۸، مهر، ص ۳۲-۳۹.
- ۱۷- بستانی، صلاح‌الدین. «تاریخچه نخستین چاپخانه و روزنامه‌ها در مصر»، الدراسات الادبیه، سال دوم، شماره ۲، تابستان، ص ۱۶۵-۱۸۶.
- ۱۸- شهبازی، عبدالله. (بی تا). «*رضا شاه و محمدعلی پاشا، استقرار دولت سرباز خانه‌ای در ایران ومصر*»، برگرفته از: www.shahbazi.org
- ۱۹- عبداللهیان، حمید. (۱۳۷۷). «*مروری بر سیر ادبیات داستانی در ایران، ادبیات داستانی*»، شماره ۴۷، تابستان ص ۱۰-۲۳.

- ۲۰- غلام، محمد. (۱۳۸۰). «نقش ترجمه در پیدایش رمان تاریخی ایران». زبان و ادبیات فارسی (تربیت معلم) شماره ۳۲، بهار ص ۱۴۷-۱۷۰.
- ۲۱- فرحات، محمد. (۱۳۷۳). «نویسندگان عرب و ترجمه آثار عربی». ترجمه محمد جواهر کلام. کیان، سال چهارم، شماره ۱۹، ص ۶۴-۶۷.
- ۲۲- فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۸۶). «مروری بر داستان نویسی معاصر عرب». سمرقند، شماره ۱۷، بهار، ص ۱۴۷-۱۷۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی